بررسی

نقادی به نقد

قتل فجیع ساموئل پَتی، معلم تاریخ فرانسوی، به دست یک دانش‌آموز چچنی، پس از نشان‌دادن کاریکاتورهایی از پیامبر سر کلاس درس، آخرین نمونه از آن چیزی است که برنار لوئیس برخود تمدنی اسلام و غرب می‌نامد. بعد از این ماجرا فرانسوی‌ها در محکومیت ترور و دفاع از آزادی بیان از ادامه انتشار این کاریکاتورها دفاع کردند و مسلمانانی که احساسات آنها جریحه‌دار شده بود، به شکل‌های مختلفی مثل تظاهرات خیابانی و تحریم کالاهای فرانسوی به اعتراض پرداختند. به نظر می‌آید ماجرای انتشار کاریکاتورها موضوعی ادامه‌دار باشد. بزرگ‌ترین عملیات تروریستی در واکنش به کاریکاتورها در سال ۲۰۱۵ بود؛ در ژانویه این سال دو نفر دفتر مجله فکاهی شارلی ابدو را به رگبار بستند و ۱۲ عضو آن را کشتند. ۱۰ ماه بعد یک رشته از حملات تروریستی پی‌سابقه در اروپا از طرف داعش انجام گرفت که در منطقه‌های مختلف پاریس منجر به کشته‌شدن ۱۳۰ نفر از شهروندان فرانسوی شد. اولین بار در سال ۲۰۰۵ بود که یک نشریه دانمارکی تعدادی کاریکاتور از پیامبر منتشر کرد. این کاریکاتورها از سوی بیشتر مسلمانان معتقد توهین‌آمیز، خشونت‌بار یا کفرگویانه قلمداد شده و انتشار آنها خشم و اعتراض بسیاری از مسلمانان را در سراسر دنیا برانگیخت. از آن زمان ماجرای کاریکاتورها سؤال‌هایی «نپهان‌مانده» را بین متفکران علوم سیاسی و اجتماعی برانگیخته است و به گفته وندی براون، نظریه‌پرداز برجسته سیاسی، موجب «طرح مسائل (غالباً تازه‌ای) در زمینهٔ احکام بذیرفته‌شده مربوط به سکولاریته، دین، توهین آمیب، توهین به مقدسات، آزادی بیان، تفاوت آرا و اتفاد شده و بدین ترتیب بسترِ فوق‌العاده‌ای برای بازاندیشی در بنیادها و مفروضات به‌ظاهر سکولار نقد فراهم کرده است». این مفاهیم و رابطه پیچیده و مبهم آنها در شرایط امروز اروپا، با افزایش آمار مهاجران مسلمان بعد از جنگ در خاورمیانه و بحث ادغام آنها در جامعه مقصد، اهمیت بیشتری می‌یابد. ازاین‌رو برخی از نظریه‌پردازان انتقادی برخلاف فضای غالب بر دانشگاه‌های غرب درصدد بازبینی در «امر سکولار» برآمدند. ازجمله این تلاش‌ها نشستی عمومی بود که در پاییز سال ۲۰۰۷ در مرکز مطالعات علوم انسانی دانشگاه برکلی کالیفرنیا برگزار شد. مقالات این نشست به طبک کسترده‌ای از موضوعات می‌پرداخته اما چند مقاله مشخصا به تحلیل ماجرای کاریکاتورهای دانمارکی اختصاص داشتند. حاصل این نشست نگارش کتابی بود به نام «آیا نقد سکولار است؟» که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد. این کتاب که مجموعه شش یادداشت به‌هم‌پیوسته است، از خلال ماجرای کاریکاتورها، به بررسی جایگاه نقد در جوامع غربی و ارتباط سازنده آن با مفاهیمی همچون سکولاریسم و دینداری، آزادی بیان و سرکوب و نیز کشورزی انسان معاصر می‌پردازد. بلندترین مقاله انتقادی کتاب متعلق به طلال اسد، انسان‌شناس و نویسنده کتاب «شکل‌گیری‌های امر سکولار» است. این کتاب بر حزم مقاله اسد، دربرگیرنده مقاله‌ای از جیا محمود، استاد انسان‌شناسی دانشگاه برکلی است. جودیت باتلر، فیلسوف و نظریه‌پرداز فمینیست آمریکایی در ادامه، مقاله‌های اسد و محمود را بسط داده و نقدی طولانی بر آنها نوشته است که هرکدام از آنها در پایان به نقد باتلر پاسخ داده‌اند. مجموعه این متون، با مقدمه‌ای که وندی براون نوشته است، محتوای کتاب پیش‌رو را تشکیل می‌دهد. این کتاب در سال ۱۳۹۵ به قلم آلما بهم‌پور و به همت نشر نی به فارسی ترجمه و منتشر شده است.

براون در مقدمه کتاب اشاراتی به سخنرانی خود در نشست یادشده می‌کند و رئوس مطالب دیگر را شرح می‌دهد. هدف کلی کتاب را می‌توان تشکیک در همسان‌انگاری نقد و امر سکولار در لیبرال‌دموکراسی و حتی نظریه انتقادی غربی دانست. نویسندگان در پی بازاندیشی در بنیادها و مفروضات «به‌ظاهر سکولار» نقد هستند. آنها قصد دارند نشان دهند که سکولاریسم خود نباید مصون از نقد باشد و تلاش می‌کنند به این پرسش‌ها پاسخ دهند: آیا در ماجرای کاریکاتورها زبان حقوقی سازوکار مناسبی برای داوری تعارضات فراهم می‌آورد؟ چه شیوه‌های گفتاری و هنجاری دیگری برای بررسی و رفع چنین اختلافاتی در جوامع چندفرهنگی و چندمذهبی در دسترس است؟ نقش نقد در چنین سازوکارهایی و ادعایی چیست؟ با وجود شرمت متفکران پساستعماری به سکولاریته باتلر در مقاله خود تاکید کرده که موضع مورد بحث او این نیست که به سکولاریته فرهنگی‌ای بسته که تمام ادعاهای اروپایی را برابر بدانند و در قبال چنین موضوعات دیگر در را موقعیت ناظر بیرونی فرار دهد. (ص ۱۳۳). مترجم در مقدمه خود تاکید بر یک مسئله اساسی دارد. «این تلمانات انتقادی در گفت‌وگو و نوازع با نزاع‌ها در بافته به کاریکری بدون کاریکاتور را ازاری مهمسوول برای رهایی از عقبه‌اندری و سرکوب و دلایل‌شدن بشر به رسکاری می‌داند. توجه به این مسئله آن‌رو ضروری است که اگر اهمیت مبانی انتقادی را محدود به استدلال‌های موردی آنها درباره شکاف‌های موجود درگفتمان آزادی بیان، نقد و سکولاریسم دانست در فرهنگ و قوانین «اروپایی» بدانیم، فاصله موضوع بسیار نزدیکی با و بستر بحثی‌مهم کاست بیش‌رو خواهد شد که نحنتها نقد و رویکرد انتقادی این منازعات موضوعیت دارد از دست نقد بحثه محتوای این کتاب می‌تواند با عنوری ظریف از «رویکرد انتقادی» به «داوری» به حد خود بدد شده و دستاوزی شود برای توجه مناسبات قدرت در بسترهای دیگر. ازاین‌رو است که در برخورد با متونی از این قبل به‌کارستن رویکرد انتقادی برای ترجمان محتوا از بستری به بستر دیگر امری ضروری است». به گفته براون با بررسی موشکافانه سه واژه یادکرده‌شده در عنوان کتاب، «آیا نقد سکولار است؟» نشان داده خواهد شد که «نقد» و «سکولار» دو مفهوم نیستند که در پایبر سال ۲۰۰۷ در مرکز مطالعات علوم انسانی دانشگاه برکلی کالیفرنیا برگزار شد. مقالات این نشست به طبک کسترده‌ای از موضوعات می‌پرداخته اما چند مقاله مشخصا به تحلیل ماجرای کاریکاتورهای دانمارکی اختصاص داشتند. حاصل این نشست نگارش کتابی بود به نام «آیا نقد سکولار است؟» که در سال ۲۰۰۹ منتشر شد. این کتاب که مجموعه شش یادداشت به‌هم‌پیوسته است، از خلال ماجرای کاریکاتورها، به بررسی جایگاه نقد در جوامع غربی و ارتباط سازنده آن با مفاهیمی همچون سکولاریسم و دینداری، آزادی بیان و سرکوب و نیز کشورزی انسان معاصر می‌پردازد. بلندترین مقاله انتقادی کتاب متعلق به طلال اسد، انسان‌شناس و نویسنده کتاب «شکل‌گیری‌های امر سکولار» است. این کتاب بر حزم مقاله اسد، دربرگیرنده مقاله‌ای از جیا محمود، استاد انسان‌شناسی دانشگاه برکلی است. جودیت باتلر، فیلسوف و نظریه‌پرداز فمینیست آمریکایی در ادامه، مقاله‌های اسد و محمود را بسط داده و نقدی طولانی بر آنها نوشته است که هرکدام از آنها در پایان به نقد باتلر پاسخ داده‌اند. مجموعه این متون، با مقدمه‌ای که وندی براون نوشته است، محتوای کتاب پیش‌رو را تشکیل می‌دهد. این کتاب در سال ۱۳۹۵ به قلم آلما بهم‌پور و به همت نشر نی به فارسی ترجمه و منتشر شده است.

براون در مقدمه کتاب اشاراتی به سخنرانی خود در نشست یادشده می‌کند و رئوس مطالب دیگر را شرح می‌دهد. هدف کلی کتاب را می‌توان تشکیک در همسان‌انگاری نقد و امر سکولار در لیبرال‌دموکراسی و حتی نظریه انتقادی غربی دانست. نویسندگان در پی بازاندیشی در بنیادها و مفروضات «به‌ظاهر سکولار» نقد هستند. آنها قصد دارند نشان دهند که سکولاریسم خود نباید مصون از نقد باشد و تلاش می‌کنند به این پرسش‌ها پاسخ دهند: آیا در ماجرای کاریکاتورها زبان حقوقی سازوکار مناسبی برای داوری تعارضات فراهم می‌آورد؟ چه شیوه‌های گفتاری و هنجاری دیگری برای بررسی و رفع چنین اختلافاتی در جوامع چندفرهنگی و چندمذهبی در دسترس است؟ نقش نقد در چنین سازوکارهایی و ادعایی چیست؟ با وجود شرمت متفکران پساستعماری به سکولاریته باتلر در مقاله خود تاکید کرده که موضع مورد بحث او این نیست که به سکولاریته فرهنگی‌ای بسته که تمام ادعاهای اروپایی را برابر بدانند و در قبال چنین موضوعات دیگر در را موقعیت ناظر بیرونی فرار دهد. (ص ۱۳۳). مترجم در مقدمه خود تاکید بر یک مسئله اساسی دارد. «این تلمانات انتقادی در گفت‌وگو و نوازع با نزاع‌ها در بافته به کاریکری بدون کاریکاتور را ازاری مهمسوول برای رهایی از عقبه‌اندری و سرکوب و دلایل‌شدن بشر به رسکاری می‌داند. توجه به این مسئله آن‌رو ضروری است که اگر اهمیت مبانی انتقادی را محدود به استدلال‌های موردی آنها درباره شکاف‌های موجود درگفتمان آزادی بیان، نقد و سکولاریسم